

یادداشت



دکتر مجتبی صمدی

مدیرانده‌پشکده فرهنگ و رسانه

مرکز مطالعات آمریکا



مروری بر کنش‌های رسانه‌ای در مکتب شهید سلیمانی رسانه سلیمانی در برابر سلیمانی‌ها؛

اشاره | نحوه مواجهه جامعه ایرانی با شهید حاج قاسم سلیمانی برای مردم و آحاد جامعه از جمله جوانان در فضای رسانه‌ای کنونی حاکم بر عادات و سبک مصرف، مبتنی بر شناختی است که از طریق رسانه‌ها برای آن‌ها پدیدار می‌گردد؛ به نوعی در بیشتر مواجهه‌های مردم با پدیده‌ای به نام «سلیمانی رسانه‌ها»، روبرو هستیم و هرکدام از رسانه‌ها از تلویزیون گرفته تا مطبوعات و رسانه‌های جدید و اجتماعی و حتی آن‌هایی که با پشتوانه قدرت و نظام سرمایه‌داری دشمنان انقلاب اسلامی از آن شهید بزرگوار ارائه می‌کنند، مبتنی بر نوعی تصویرسازی از شهید سلیمانی است و براین اساس است که «سلیمانی رسانه‌ها»، همان می‌شود که در گذر تاریخ برای بسیاری از قهرمانان و اسطوره‌های انقلابی و اسلامی ما، شکل گرفته و همچون هرگونه بازنمایی رسانه‌ای که به دلیل سلطه و مالکیت رسانه‌های جهانی مبتنی بر نظام استکباری و ذات و ویژگی‌های آن‌ها، دستخوش تحریف و تقلیل است، مانع از ایجاد یک روایت صحیح برای جامعه ایرانی و جهانی خواهد شد.

سلیمانی رسانه‌ها

نقطه مقابل رویکرد فوق که امروز هرچند از سوی سازوکارها و فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای از سوی جریان انقلاب اتخاذ می‌شود، مبتنی بر سیاست‌ها و اقداماتی است که جز مکانیکی کردن، تقلیل یافته و تقدس زدایی از انتقال مفاهیم، معارف و اقدامات فرهنگی است، ثمره‌ای به بار نمی‌آورد. همین دیروز بود که با کودکی مواجه شدم که روی کیف دستی‌اش، تصویر شهید عالی مقام، سلیمانی نقش بسته بود؛ آیا این نوع اقدامات، می‌تواند راهگشای حضور و اثرگذاری رفتار و منش آن شهید برای فرهنگ‌سازی در مسیر انقلاب اسلامی و حرکتی بس طولانی و مشقت‌بار، همچون مقدمه‌سازی در طرح و ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد؟ آیا صرف جایگزینی تصاویر اسطوره‌ها و قهرمان‌های شرکت‌ها و کمپانی‌های رسانه‌ای آمریکایی و غربی با تصویر سردار جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی، می‌تواند اقدامی اثرگذار باشد. قدری تأمل، نشان می‌دهد چنین رویکردی جز کالایی شدن نام یا شهید، چیزی نیست و همان تلاش در راستای تقویت مسیری است که سلیمانی رسانه‌ها را برای جامعه ایرانی و جریان مقاومت، رقم خواهد زد.

به نظر می‌آید که باید قدری متفاوت به این موضوع بنگریم؛ شهید سلیمانی به تناسب شرایط و زمان، شاید تنها در سال‌های پایانی حیات مادی خود، توانست در جغرافیای معرفتی و ذهنی مردم ایران، قرار بگیرد و این مقدار نیز جز از طریق کنش‌های این شهید امت اسلام فراهم نبود و همه این آثار به دلیل حضور و کنشگری شخص ایشان، به مثابه نقش‌ای ماندگار بر ذهن و فکر ایران و جریان مقاومت میسر شد. البته شهید سلیمانی از آنجا که شهید گونه زندگی کرد، نشان می‌داد که زندگی وی نیز کنشگرانه، آگاهانه و فعالانه بود که در لحظه لحظه زندگی خود، توانست بر روح، فکر و اندیشه حیات دنیوی ما اثرگذار شود و در نهایت، به تشییع ده‌ها میلیونی و بدرقه ایشان در میان امت اسلامی انجامید.

به سوی رسانه سلیمانی

یکی از جنبه‌های این کنشگری که در مقابل مفهوم «سلیمانی رسانه‌ها» قرار می‌گیرد، کنشگری رسانه‌ای شهید سلیمانی است که در مفهوم «رسانه سلیمانی» تبلور می‌یابد. کنش‌ها، رفتار تفسیر شده در زمینه‌ای نمادین است و از آنجا که آگاهانه، هدف‌دار، معنادار و مبتنی بر موقعیت‌های زمانی و مکانی است، اگر

قرار گرفت و به نوعی توجهی ویژه بر ضرورت کتاب و کتاب خوانی، برای رشد فکری جامعه را یادآور شد. در کنش حمایتی از فرزندان خود گرفته تا مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای و حتی عموم جامعه را مورد خطاب می‌دهد. از این رو، یک رسانه مکتوب یعنی کتاب را بهترین بستر برای این هدف تلقی نمود و به نوعی آن را نیازمند حمایت می‌دید، زیرا باروری فکری جامعه به گسترش این رسانه مبتنی بر محتوای یادشده یعنی انقلاب اسلامی استوار بود و چیزی است که در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشور، گویی از یاد رفته است.

کنش انتقادی

یکی از کنش‌های رسانه‌ای مهم شهید سلیمانی، کنش انتقادی ایشان است و آن را در قالب کلمات با محوریت دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌ها حول رسانه کتاب و همچنین، سینما شکل داده است. **محتوای این کنش، مبتنی بر نقد وضعیت صدور مفاهیم و ارزش‌های انقلاب اسلامی و نقد ارزش‌گذاری تولیدات و محصولات فرهنگی و رسانه‌ای در جمهوری اسلامی ایران است.** در این کنشگری، دیپلمات‌ها و مسئولان فرهنگی در عرصه بین‌الملل و سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای بیش از پیش، مورد خطاب قرار می‌گیرند، چنان‌که شهید سلیمانی در بخشی از نامه‌ای که برای احمد یوسف زاده، نویسنده کتاب آن ۲۳ نفر می‌نویسد، چنین آورده است: «ای‌کاش سفیران در قصرهای مجلل نشسته کشورمان، این سفیران در قفس گرفتار شده را ببینند و چگونه سفیر بودن را بیاموزند» یا خطاب به ابراهیم حاتمی کیا پس از حضور برای تماشای فیلم چ در جشنواره فیلم فجر می‌گوید: «برادرم از طعنه‌ها و

در بستر رسانه از سوی فردی چون شهید سلیمانی صورت بگیرد، مبنایی برای تحول و حرکت در نظام معنایی یک جامعه خواهد بود. شهید سلیمانی در سال‌های انتهایی عمر شریف خود، علی‌رغم همه محدودیت‌ها با توجه به وضعیت و درگیری‌های کاری و فعالیت‌اش، تلاش نمود تا کنشگری رسانه‌ای باشد، یعنی ایشان توانست رویکردی فعالانه و خلاق در مواجهه با رسانه‌ها داشته باشد و رسانه‌ای برای مردم، جامعه و حتی مسئولان باشد. از این رو، کنش رسانه‌ای شهید سلیمانی همچون یک کنش ارتباطی، پاسخی فعالانه و خلاقانه در مواجهه با درزمینه رسانه بود و گذر و مروری بر این نوع کنشگری‌های شهید سلیمانی - که شمار آن‌ها هرچند اندک بود- ما را با زنجیره‌ای گفتمانی از این کنش‌ها روبرو می‌کند که می‌تواند در قالب کنش‌های رسانه‌ای مختلف، بروز یابد که کنش حمایتی، انتقادی، الگوساز، روایتگری و کنش پاسخگویی، مجموعه‌ای از این نوع کنش‌ها از سوی شهید سلیمانی است که می‌تواند، مؤلفه‌های اصلی «رسانه سلیمانی» باشد.

کنش حمایتی

یکی از کنش‌های رسانه‌ای شهید سلیمانی که نمود خود را در نوشته‌ها و یادداشت‌های حول رسانه کتاب شکل داد و نمونه بارز آن، یادداشت‌های ایشان بر حاشیه کتاب «من زنده‌ام» یا «وقتی مهتاب گم شد» است. **رویکرد اصلی محتوایی این یادداشت‌ها، توجه به ضرورت صدور و ترجمه پیام‌های انقلاب اسلامی و معرفی ارزش‌ها به جهان اسلام و جامعه ایرانی بود تا جایی که مؤلفه‌های هویتی مسلمان شیعه، ایران اسلامی، مکتب امام خمینی (ره) و حکومت اسلامی و انقلاب، مورد توجه جدی وی**



و تصمیم‌های سیاست‌گذاران بر این محورها قرار گیرد و شاید انتقادی ظریف به عرصه سیاست‌گذاری رسانه‌ای کشور را درون خود نهان دارد.

کنش روایتگری

یکی از مهم‌ترین کنش‌های رسانه‌ای شهید سلیمانی، کنش روایتگری ایشان با محوریت مصاحبه رسانه‌ای و مطبوعاتی و تجلیل از چند کتاب بود. شاید نقطه اوج آن، روایت جنگ ۳۳ روزه در مصاحبه با تارنمای KHAMENEI.IR بود که روایت دقیقی از پیروزی‌ها و مجاهدات در نبرد حق و باطل در جهان کنونی بود.

روایت‌هایی از رشادت‌های رزمندگان جبهه حق در میدان مبارزه و با بیان ویژگی‌ها و جایگاه دقیق افراد الگو بخش همچون شهید عماد مغنیه در میدان مبارزه بود، چیزی که در روایت‌های رسانه‌ای انقلاب اسلامی، سال‌ها خالی است. اینجا است که شهید سلیمانی، عموم جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهد تا روایتی دیگر و برخلاف آنچه در تصاویر رسانه‌ای غرب در روزگار کنونی می‌بینید، تصویر نماید. البته باید اشاره نمود که شاید همه کنش‌های رسانه‌ای شهید سلیمانی، کنشی روایتی از نبرد حق و باطل بود، چه در قالب حمایت، چه انتقاد یا هرگونه‌ای دیگر.

سرزنش‌ها نهراسید و به سیمرغ‌های دنیوی هم فکر نکنید و این راه را ادامه دهید. سیمرغ شما و وجدان‌های بیدار شده بر اثر این حقیقت ارزشمند ارائه شده و اشک‌های غلتنانی است که بر گونه‌ها جاری ساختید». انتقاد از وضعیت حاکم بر تولیدات رسانه‌ای و محصولات فرهنگی که به نوعی باید مروج حرکت انقلاب اسلامی باشد، نقطه تمرکز این کنش است، چرا که گویی ارزش‌ها و شاخص‌های دیگری، جایگزین این تولیدات شده است.

کنش الگوساز

شهید سلیمانی در همان اندک زمان و فرصت برای کنشگری رسانه‌ای، به معرفی الگوهای رسانه‌ای و تقدیر از هنرمند شاخص نیز دست زدند، چنان‌که تماشای فیلم «بادیگارد» و حتی «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا و حضور در پشت‌صحنه فیلم «آن ۲۳ نفر»، همه نشان از تلاشی دارد که جریان انقلاب و مقاومت با هنر هنرمند الگو شاخص و تولیدات الگو، امکان تبیین و روایتگری دارد. اینجاست که هنرمندان جامعه در کنار سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای و عموم جامعه، مورد خطاب قرار می‌گیرند تا مصرف رسانه‌ای مبتنی بر این کنش شکل گیرد



نبرد حضور داشت و علی‌رغم همه این فعالیت‌ها، اندک زمانی در اختیار داشت تا نقش خود را به‌مثابه کنشگر رسانه‌ای ایفا نماید؛ اما منطق و روش ایشان، نشان می‌دهد که دو کنش بیش از بقیه، نقطه اساسی در این کنشگری است که جای خالی آن در وضعیت کنونی جامعه، حتی در میان مسئولان و سیاست‌گذاران کشور و حتی فرماندهان میدان‌های اجرایی، فرهنگی، اقتصادی و دیپلماسی کشور دیده نمی‌شود؛ اول، کنش روایتگری است که در واقع، همان است که رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) بر جهاد تبیین تکیه دارند و کنش رسانه‌ای شهید سلیمانی بر این منطق استوار بود و از سوی دیگر، کنش پاسخگویی بود که رسانه‌های ما در جریان انقلاب و مقاومت، از آن دور بوده‌اند. این دو کنش، شاید اصل و اساس «رسانه سلیمانی» در مسیر حرکت انقلاب اسلامی و در گام دوم انقلاب با مخاطبان جوان و نسل‌هایی باشد که در بسیاری از موارد، آماج روایت‌هایی هستند که انقلاب اسلامی و حقایق مجاهدت‌ها و مقاومت‌ها را وارونه جلوه داده‌اند اما در این بستر، «رسانه سلیمانی» همچنان زنده و اثرگذار بر جان، فطرت و جامعه ایرانی و جهانی خواهد بود.

کنش پاسخگویی

نوع دیگری از کنش رسانه‌ای شهید سلیمانی، کنشی بود که ایشان با هدف تبیین صحیح از وقایع شکست‌ها و پیروزی‌ها و پاسخ به شبهات و مقابله با انتقادات صورت داد، چنانچه در یک برنامه تلویزیونی^۱ بر روی آنتن زنده، حضور می‌یابد و در کنار فرمانده دوران دفاع مقدس، سردار محسن رضایی به تبیین عملیات کربلای چهار می‌پردازد. ایشان در این کنشگری، تبیین صحیح از موضوع و دفاع از بنیان‌ها و اصول حکومت و انقلاب اسلامی را بر خود ضروری می‌داند، چراکه باید در مقابله همه شبهه افکنی‌ها، ایستاد و این‌گونه کنشگران رسانه‌ای کشور را در کنار عموم جامعه، مورد خطاب قرار می‌دهد. این نوع کنشگری علی‌رغم همه درگیری‌ها و حضور به‌موقع برای یک کنشگر رسانه‌ای و حتی مسئولان، فرماندهان و مبارزان جریان مقاومت، درس‌های بسیاری دارد.

کنش روایتگری و پاسخگویی نیاز امروزین

همان‌گونه که بیان شد، حاج قاسم سلیمانی شاید در سال‌های مجاهدت خود، لحظه‌به‌لحظه در میدان

۱. برنامه صبحگاهی «حالا خورشید» شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۷